



بررسی فقهی حکم قاچاق و
معاملات مبتنی بر قاچاق

محمد رضا یوسفی شیخ رباط
پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

قاچاق پدیده‌ای منفور و پیچیده است. ابعاد تاثیرات آن بر جامعه گسترده بوده، جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را نیز در بر می‌گیرد. با وجود اهمیت فراوان این موضوع و تاثیرات گسترده آن، اما این پدیده یک معضل جدی اقتصاد ایران بوده و مانعی بزرگ برای توسعه کشور محسوب می‌شود. یکی از جنبه‌های قابل بررسی پدیده قاچاق، وجه شرعی این پدیده است. شاید تبیین این جنبه کمکی در جهت شناخت ابعاد آن و مبارزه با این پدیده باشد.

این نوشتار و یادداشت مختصر می‌کوشد تا از جنبه شرعی قاچاق و معاملات مبتنی بر قاچاق را تبیین کند. بر این اساس در ابتدا به تعریف قاچاق پرداخته، سپس پیامدهای قاچاق، حکم شرعی عمل بر خلاف قانون و مقررات، حکم شرعی در خصوص قاچاق، حکم شرعی معامله مبتنی بر قاچاق تبیین شده و در نهایت جمع بندی نهایی بیان خواهد شد.

تعریف قاچاق

قاچاق در زبان انگلیسی Smuggle و در زبان عربی التهرب گفته می‌شود. قاچاق در کتب فرهنگ لغت انگلیسی مانند آکسفورد، وارد و یا خارج کردن کالا به صورت غیر قانونی است و در فرهنگ لغت عرب مانند معجم معانی الجامع نیز وارد یا خارج کردن کالا با هدف عدم پرداخت عوارض گمرکی و یا طی نکردن مراحل قانونی بیان شده است. در این دو نوع تعریف عنصر کلیدی در قاچاق، واردات و صادرات غیر قانونی است. اما در فرهنگ لغت فارسی قاچاق مفهومی وسیع تر داشته

است. به عنوان مثال، دهخدا قاچاق را ورود کالای غیرقانونی به کشور و یا معامله کالای غیرقانونی بیان می‌کند. (دهخدا، ۱۳۷۳)؛ عمید قاچاق را در دو مفهوم بکار برده است. اول کاری است پنهانی و خرید و فروش کالاهایی که در انحصار دولت بوده و یا معامله آنها ممنوع باشد، دوم؛ وارد یا صادر کردن کالاهایی که ورود یا صدور آنها ممنوع است. (عمید، ۱۳۵۵) در تعریف اول مفهومی جامع بیان شده و در تعریف دوم همان تعریف متداول را ذکر شده است.

بر اساس کنوانسیون نایروبی، قاچاق تخلفی گمرکی است که شامل جابجایی کالا در طول مرزی گمرکی به روش مخفیانه و به منظور فرار از نظارت گمرکی رخ می‌دهد که ناظر به همان واردات و صادرات غیر قانونی است.

قانون گمرک در تعریف قاچاق آورده است «ورود، ساخت، مبادله، توزیع هر گونه کالا یا خدماتی که خارج از چارچوب مقررات و ضوابط دولت صورت پذیرد.» این تعریف نیز تعریفی وسیع از قاچاق ارائه کرده که حتی از دامنه فعالیت‌های گمرکی نیز خارج شده است.

در ماده ۳ قانون مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲ ش آمده است. «نگهداری، خرید و فروش و یا حمل و نقل کالا از نقطه ایی به نقطه ای دیگر، خواه دو نقطه مزبور در داخل کشور باشد خواه یک نقطه در داخل و یک نقطه در خارج، بر خلاف مقررات مربوط به طوری که این عمل ناقض ممنوعیت یا محدودیتی باشد که قانونا مقرر شده است.» که این نیز تعریفی جامع است. در این نوشتار بر تعریف کنوانسیون نایروبی تاکید شده است.

پیامدهای اقتصادی قاچاق

قاچاق از زوایای مختلفی بر اقتصاد کشور اثرگذار است. که در اینجا به صورتی گذرا به برخی جنبه‌های آن تاکید می‌گردد.

۱. **تاثیر بر درآمدها و هزینه‌های دولتی:** قاچاق از دو مسیر بر بودجه کشور اثر

می‌گذارد. از یک سو هزینه‌های دولت را جهت مبارزه با قاچاق افزایش می‌دهد. هزینه‌هایی که بر نیروی انتظامی و سایر سازمانها و غیره از این بابت تحمیل می‌شود، بیان گر این مطلب است. از سوی دیگر قاچاق باعث کاهش درآمدهای دولتی می‌شود. به عنوان مثال بر اساس آمار سال ۱۳۹۳، واردات رسمی کشور اندکی بیش از ۶۵ میلیارد دلار بوده است که با توجه به متوسط نرخ ارز ۳۲۸۰ تومان در آن سال، و رقم درآمد مالیات بر واردات در آن سال (۱۳,۳۴۰ میلیارد تومان) در نتیجه هر میلیارد دلار، ۲۰۵ میلیارد تومان درآمد برای کشور داشته است. حال با فرض ۲۰ میلیارد دلار قاچاق کالا، دولت درآمدی بالغ بر ۴۱۰۰ میلیارد تومان را از دست داده است. بنابراین قاچاق بر کسری بودجه دولت و تبعات ناشی از آن موثر است.

۲. **تاثیر بر نظام تصمیم سازی و برنامه‌ریزی دولت:** قاچاق به دلیل ماهیت غیر قانونی خود؛ غیر شفاف بوده و با توجه به این نکته که تصمیم سازی و برنامه‌ریزی درست مبتنی بر اطلاعات است، از این رو این پدیده بر نظام تصمیم گیری اقتصادی کشور اثر منفی دارد.

۳. **تاثیر بر پولشویی:** برای تداوم درآمدهای ناشی از قاچاق، تطهیر و پولشویی امری ضروری است. توجه به حجم بالای تخمینی ۷۰ هزار میلیارد تومان که خود مبلغ کلانی است، این نیاز را به روشنی بیان می‌کند. انتظار این است که آنان تلاش زیادی برای ورود به سیستم بانکی کشور از انواع طرق قانونی و غیرقانونی داشته باشند. شاید وجود انبوه موسسات مالی غیرمجاز و تقاضای بسیار زیاد تاسیس موسسات مالی از بانک مرکزی حکایتگر این امر باشد.

۴. **تضعیف تولید ملی، سرمایه‌گذاری و اشتغال:** کاهش هزینه محصولات خارجی در قیاس با محصولات داخلی موجب تضعیف تولید ملی و کاهش رشد اقتصادی می‌گردد. به دنبال تضعیف تولید ملی، کاهش رقابت با محصولات

خارجی، انگیزه سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد. از سوی دیگر این امر موجب کاهش اشتغال و رشد نرخ بیکاری در کشور می‌گردد. طی برآوردی در سال ۱۳۸۳، به ازاء هر یک میلیارد دلار واردات قاچاق، ۱۰۰ هزار فرصت شغلی از بین می‌رود. این مسئله با توجه به برآورد متوسط هر ۸ میلیون تومان یک فرصت شغلی در آن دوره بود. بر اساس سال ۱۳۹۳، حدود ۴۰ میلیون تومان متوسط سرمایه لازم برای یک فرصت شغلی است و در نتیجه هر میلیارد دلار قاچاق کالا، ۸۰ هزار فرصت شغلی را از بین می‌برد.

۵. **فشار بر تقاضای ارز:** به دلیل واردات کالای قاچاق، تقاضای ارز افزایش می‌یابد و در نتیجه نرخ ارز تمایل به افزایش خواهد داشت. از آنجایی که افزایش نرخ ارز با توجه به درجه بالای وابستگی صنایع کشور موجب افزایش هزینه تولید و تورم در کشور می‌شود و از سوی دیگر سرمایه در گردش این صنایع دچار مخاطره می‌گردد، در نتیجه بانک مرکزی برای ثبات نرخ ارز، عرضه را افزایش می‌دهد که در واقع از ذخایز ارزی کشور کاسته و ثروت عمومی را تقدیم این گروه می‌کند.

۶. **تأثیر بر فقر و آسیب‌های اجتماعی:** قاچاق از طریق افزایش نرخ بیکاری بر فقر و به دنبال آن بر آسیب‌های اجتماعی نیز موثر است.

۷. **تأثیر بر سلامت:** ورود غیر قانونی لوازم آرایشی و بهداشتی به کشور به دلیل عدم کنترل استانداردهای لازم، سلامت افراد جامعه در خطر می‌باشد و گاه موجب هزینه‌هایی برای شهروندانی شده که از این کالاها استفاده کرده‌اند.

۸. **تأثیر بر اقتصاد سیاسی:** با توجه به تخمین درآمد حدود ۷۰ هزار میلیارد تومان برای قاچاق، طبیعی است که این گروه برای تداوم این پدیده سعی خواهند کرد در مدیریت میانی و حتی بالایی نفوذ کنند. کافی است تنها یک درصد از این مبلغ به

این امر اختصاص داده شود. بر این اساس قاچاق خطر فساد سیستمی را دو چندان می‌کند. بنابراین قاچاق خطری جدی برای سلامت نظام اجرایی و قضایی کشور است.

حکم شرعی عمل بر خلاف قانون و مقررات

چنانچه بیان شد قاچاق پیامدهای گسترده‌ای در جامعه دارد. قاچاق رفتاری خلاف قانون و مسئله‌ای مستحدث است. بر این اساس در ابتدا جا دارد تا این مورد بحث شود که اساساً عمل بر خلاف قانون از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

دیدگاه فقهاء در این باره متفاوت است. اولاً تفکیک بین حکومت عادل و مشروع با حکومت جائز و غیر مشروع گذارده می‌شود. ثانیاً در مواردی که حکم مطابق با شرع صادر شده باشد، اطاعت واجب است و در مواردی که مخالف شرع باشد نیز مخالفت واجب است. لذا بحث در مورد قوانین و مقررات عرفی است که نه صریحاً موافق و نه صریحاً مخالف احکام شرع می‌باشند. این مسئله نه فقط برای کشورهای مسلمان جاری است بلکه امروزه با مهاجرت گسترده مسلمانان به کشورهای غیر مسلمان و با حکومت‌های نوعاً سکولار این پرسش جدی‌تر از گذشته مطرح شده است. به عنوان مثال، افرادی که مهاجرت کرده و یا پناهنده شده‌اند و از پارانته‌های دولتی استفاده می‌کنند حق کار کردن ندارند. و یا دانشجویانی که در آنجا درس می‌خوانند، حق کار تمام وقت را ندارند. آیا این افراد می‌توانند کار تمام وقت در آن کشورها انجام دهند.

پاسخ عموم فقهاء این است که در همه موارد فوق احترام به قوانین واجب بوده و تخلف جایز نیست. به ویژه اینکه اگر تخلف مسلمان و هن اسلام و مسلمانان شود.

اما دلایل آن متفاوت است. گروهی مانند مقام رهبری قوانین ناظر به نظم اجتماعی را بیان کرده‌اند. برخی از فقهاء مانند آیه الله صافی چون آن حکومت‌ها را محترم نمی

شمارند احکامشان را نیز محترم نمی دانند اما اگر تخلف موجب وهن اسلام و مسلمانان شود را جایز نمی دانند.

فقهاء نوعاً حکم تکلیفی را بیان کرده‌اند. اما حکم وضعی آن چگونه است؟ کسی به طور روشن وارد این بحث نشده است. اما آیه الله سیستانی از جهت حکم وضعی نیز نادرست دانسته و حلیت آن را تنها منوط به اطلاع دولت می‌داند.

می‌توان در یک جمع‌بندی کلی چنین بیان داشت:

۱. برخی اموال دولتی بوده و یا در دست دولت است و به عبارت دیگر حقوق عمومی در آن وجود دارد، در این صورت هیچ کس حق تصرف در اموال عمومی را ندارد.

۲. افرادی که طرف قرارداد با دولت هستند نیز چون قراردادهای محترم هستند نیز تحت هیچ شرایطی حق تخلف ندارند.

۳. مواردی که اخلال در نظام اجتماعی ایجاد می‌کند نیز جایز نیست. پس احکامی که با هدف ایجاد نظم اجتماعی تدوین می‌شوند مانند قوانین راهنمایی و رانندگی نیز تخلف جایز نیست. دلایل فراوان دینی در این مورد وجود دارد.

۴. اگر مخالفت با قانون موجب وهن اسلام و یا مسلمانان شود، مخالفت جایز نیست.

۵. مخالفت موجب زیان رساندن به نفوس، اموال و یا آبروی محترم باشد، در این صورت نیز مخالفت جایز نیست. زیرا در اسلام جان، مال و عرض بسیار محترم است. و یا به عبارت دیگر بر خلاف مصالح اجتماعی باشد.

۶. اگر مخالفت با قانون مستلزم هیچکدام از امور یادشده نبود، یعنی نه اخلال به نظم بود، نه وهن اسلام و نه موجب زیان رساندن به دیگران و... نبود، برخی از فقهاء مانند آیه الله سیستانی و مکارم معتقدند حتی در این مورد نیز تخلف جایز نیست. مثلاً از مواردی که ذکر می‌شود چراغ قرمز در شب و با علم به

اینکه کسی نیست، آیا باید چراغ قرمز را رعایت کرد؟ پاسخ مثبت است. اما در معاملات، اگر شرایط دیگر را داشته باشد باطل نیست.

نکته دیگر اینکه، برخیا ز افرادی که در کشورهای غیر مسلمان زندگی کرده، کمک‌های دولتی کفاف زندگی روزمره شان را نمی دهد و زندگی با مشقتی دارند. پرسش این است که این دسته از افراد می توانند برخلاف قانون ممنوعیت کار، اشتغال به کار پیدا کنند؟

در این صورت برخی از فقهاء مانند آیه الله مکارم، نوری همدانی به قدر ضرورت بلامانع می دانند. یعنی حداقل زندگی را تامین کند. دلیل آن نیز روشن است زیرا زندگی این افراد به عسر و حرج کشیده می شود و شرع مقدس حکم می کند که موجب عسر و حرج شده باشد را نفی می کند.

مفهوم قاعده نفی عسر و حرج این است حکمی که موجب عسر و حرج شود از ذمه مکلفین برداشته شده است. دلایل قرآنی و روایی برای این مطلب وجود دارد. خداوند می فرماید «یرید الله بکم الیسر و لایرید بکم العسر» (البقره / ۱۸۵) و یا «و ما جعل علیکم فی الدین من حرج» (الحج / ۷۸) و یا «ما یرید الله لیجعل علیکم من حرج» (المائده / ۶) این آیات به وضوح بر نفی حکمی که موجب عسر و حرج شوند، دلالت می کنند. (کاظم مصطفوی؛ ۱۴۱۷ق؛ ص ۲۹۷)

گرچه برای عسر و حرج معانی مختلفی در کتب لغت بیان شده اما با توجه به موارد استعمال آن در آیات قرآنی و روایات چنین به دست می آید که حرج مطلق ضیق و سختی نبوده، بلکه محدودیت زیادی است چنانچه ابن اثیر نیز می گوید حرج هر ضیق و محدودیتی نیست بلکه ضیق خاص و سخت می باشد و عسر نیز همین معنا را می دهد. (مکارم شیرازی، ۱۴۱۰، ص ۱۷۹ - ۱۷۸)

البته عسر و حرج فردی و اجتماعی با یکدیگر فرق می کنند که عرف می تواند در این مورد تشخیص دهد.



حکم شرعی در خصوص قاچاق

روشن شد عمل بر خلاف قانون اگر موجب به هم زدن نظم اجتماعی بوده و یا موجب زیان رسانیدن به دیگران شود، قطعاً حرام است و فرقی میان انواع حکومت‌ها اعم از عدل و جور، دینی و سکولار نمی‌کند. همچنین روشن شد که قاچاق کاری خلاف قانون است که بر اساس مصالح اجتماعی رخ می‌دهد. اما لازم است دو چیز از هم جدا شوند. اول فعل قاچاق و دوم معامله مبتنی بر کالای قاچاق. شقوق بحث در ابتدا از منظر فعل قاچاق دنبال می‌شود.

۱. **علم و عدم علم به قاچاق بودن:** اگر فردی نمی‌داند که کار قاچاق انجام می‌دهد مثلاً کمک به قاچاقچی می‌کند اما به او نگفته‌اند در این صورت کارش حرام نیست. ولی به محض دانستن حق انجام عمل را ندارد.

۲. **توجه به لوازم قاچاق و آثاری که بر جامعه دارد و ندانستن:** اگر فردی ادعا کند که من نمی‌دانستم و یا قبول ندارم که قاچاق این آثار را در جامعه دارد، باز هم حق ندارد مخالف حکم و مقررات قانونی عمل کند.

۳. **عسر و حرج فرد:** چنانچه در بحث اعمال خلاف قانون گذشت. اگر فردی در عسر و حرج قرارگیرد، می‌تواند به اندازه رفع ضرورت و عسر و حرج عمل خلاف را انجام دهد. مانند اکل میته و .. حال اگر افرادی باشند که زندگی آنها مستاصل است و شغلی که کسب درآمد کنند ندارند و سرمایه‌ای که با آن زندگی را اداره کنند نیز ندارند در این صورت حکم برای اینان به دلیل باب تزاحم و تقدم اهم ملاکا برداشته می‌شود. لذا افراد مرزنشینی که صرفاً برای امرار معاش زندگی دست به چنین کاری می‌زنند و راهی غیر از این ندارند از نظر شرعی فعلشان حرام محسوب نمی‌شود. اما بر اساس قاعده الضرورات تتقدر بقدرها به همان اندازه باید بسنده کند. و اساس این تقدم بر مبنای باب تزاحم و

تقدم حکم فعلی که اهمیت بیشتری نزد شارع دارد میباشد. (آیه الله خوئی، المحاضرات، ۲۸۰/۳ و ۱۲۸/۴) اما افرادی که در عسر و حرج نیستند و یا تجارت سازمان یافته دارند، قطعاً فعل آنان حرام بوده، و از مصادیق اخلال گر به نظام اقتصادی محسوب میشوند. قاچاق سازمان یافته از موارد حرام قطعی است.

۴. **حکم وضعی درآمدهای مکتسبه:** پرسش این است که درآمدی که افراد از این راه به دست می آورند چه حکمی دارند. در اینجا تفکیکی لازم است. افرادی که کالای قاچاق را معامله میکنند و دوم افرادی که در مقدمات کار فعالیت میکنند و دستمزد دریافت مینمایند. افرادی که در مقدمات کار فعالیت میکنند چون مقدمه فعل قاچاق را تحقق میبخشند و قاچاق حرام است. پس از باب اعانه بر اثم فعل حرام را انجام میدهند. چنانچه خداوند میفرماید « و تعاونوا علی البر و التقوی و لاتعاونوا علی الاثم و العداوان و اتقوا الله ان الله شدیدالعقاب» (المائده/ ۲) قدرمتیقن از این آیه شامل مواردی است که گروهی باهم جمع میشوند تا حرامی را انجام دهند مانند قتل نفسی صورت گیرد. نه کمک دیگری در انجام فعلی حرام به صورت مستقل و با انجام برخی مقدمات. (جعفر سبحانی، ۱۴۱۰ ق، ص ۲۶۱)

حکم شرعی معامله مبتنی بر قاچاق

حال کالای قاچاق به مقصد رسید گاه معامله عمده و گاه خرده فروشی است. در معاملات عمده فروشی طرفین می دانند که کالا قاچاق و غیر قانونی است. لذا قطعاً خلاف عمل می کنند گناه انجام می دهند اما در معاملات خرده فروشی که در مغازه های مجاز متاسفانه کالای قاچاق عرضه می شود نمی توان حکم به حرمت معامله به ویژه برای خریداران داد. زیرا به تصور او کالایی که در فروشگاه مجاز به طور علنی فروخته می شود از نظر قانون مشکل ندارد.

جمع بندی نهایی

۱. مخالفت با قوانین و مقررات در صورتی که موجب اخلال به نظم جامعه شده و یا موجب زیان برای جامعه شود، حرام است.
۲. در صورت عسر و حرج این حرام به مقدار ضرورت برداشته می شود.
۳. قاچاق از مصادیق بارز مخالفت حرام با قوانین و مقررات است چون موجب زیان به جامعه است.
۴. اگر افرادی مانند برخی مرز نشینان صرفاً برای گذران زندگی این کار را می کنند، حرام انجام نداده اند.
۵. معاملات عمده فروشی حرام می باشد زیرا با هدف کسب سود بیشتر و با علم به قاچاق بودن کالا صورت می گیرد. اما معاملات خرده فروشی برای خریدار مغازه های مجاز اشکال ندارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی